



آثار برگزیده حقوق - ۳

دوره مقدماتی حقوق مدنی

اعمال حقوقی

تراجم - ایقاع

ویرایش جدید - تجدید نظر شده

دکتر ناصر کا توریان



سرشناسه:	کاتوزیان، ناصر، ۱۳۰۶ - ۱۳۹۳.
عنوان قراردادی:	ایران - قوانین و احکام.
عنوان و نام پدیدآور:	دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی: قرارداد - ایقاع / ناصر کاتوزیان.
وضعیت ویراست:	ویراست ۲.
مشخصات نشر:	تهران: شرکت سهامی انتشار: ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری:	چاپ شانزدهم، ۱۳۹۵.
فروست:	۵۱۲ ص.
شابک:	آثار برگزیده: ۳
یادداشت:	ISBN 978-964-325-256-4
یادداشت:	Nasser Katouzian
موضوع:	Elementary Courses of Iranian Civil-law:
موضوع:	Juristic Acts: Contracts, Unilateral Acts.
رده‌بندی کنگره:	کتابنامه به صورت زیرنویس، نمایه: ۵۰۹-۴۷۵ ص.
رده‌بندی دیویی:	حقوق مدنی - ایران.
شماره کتاب‌شناسی مل:	عقود و ایقاع - ایران.
	KMH۵۰۰ / ۱۳۸۹ ۲۵۹ ک / ۳۴۴/۵۵
	۲۰۲۲۳۷۶

دوره: تدماء حقوق مدنی:

ن - نوق

قرارداد. ایقاع

تألیف: دکتر ناصر کاتوزیان

چاپ شانزدهم: ۱۵۰۰

شرکت سهامی انتشار

چاپخانه حیدری: ۵۲۰۰ نسخه

۱۲۵۰۰ تومان



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸، تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲، دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

Email: info@entesharco.com WWW.ENTESHARCO.COM

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نیش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴، دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست عنوان‌های اصلی

۷	سراغاز
۱۵	مقدمه: اسباب ایجاد تعهد (ش ۱ تا ۷)
۲۲	احمال حقوقی (ش ۸ تا ۱۱)
	آخر نخست
	قواعد عمومی قراردادها
۲۹	فصل اول: مفهوم و اقسام عقد
۳۰	مبحث اول - تعریف عقد (ش ۱۲ تا ۱۸)
۳۲	مبحث دوم - اقسام عقد (ش ۱۹ تا ۲۷)
۵۳	فصل دوم: انعقاد و اعتبار عقد
۵۵	مبحث اول - تراضی (ش ۵۱ تا ۱۰۵)
۱۱۱	مبحث دوم - اهلیت و اختیار دو طرف (ش ۱۰۶ تا ۱۲۸)
۱۳۱	مبحث سوم - مورد معامله (ش ۱۲۹ تا ۱۴۲)
۱۳۸	مبحث چهارم - جهت معامله (ش ۱۴۳ تا ۱۶۱)

۱۵۹	فصل سوم: اثر قرارداد
۱۵۹	مبحث اول - اثر عقد نسبت به دو طرف آن (ش ۱۶۳ تا ۱۷۱)
۱۷۲	مبحث دوم - اثر عقد نسبت به اشخاص ثالث (ش ۱۷۲ تا ۲۰۸)
۲۰۱	فصل چهارم: اجرای عقد - مسؤولیت قراردادی
۲۰۲	مبحث اول - اجرای مفاد عقد (ش ۲۱۰ تا ۲۵۹)
۲۵۶	مبحث دوم - عهد شکنی و نتیجه آن - مسؤولیت قراردادی (ش ۲۶۰ تا ۲۹۱)

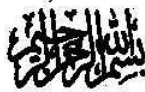
۲۸۱	فصل پنجم: شرط ضمن عقد
۲۸۱	مبحث اول - مفهوم و ماهیت حقوقی (ش ۲۹۳ تا ۲۹۷)
۲۸۶	مبحث دوم - شرایط صحت (ش ۲۹۸ تا ۳۰۷)
۲۹۶	مبحث سوم - اجرای شرط - نتیجه تخلف از آن (ش ۳۰۸ تا ۳۱۸)

۳۰۹	فصل ششم: انحلال قرارداد
۳۱۲	مبحث اول - اقاله یا تفاسخ (ش ۳۲۱ تا ۳۲۶)
۳۲۶	مبحث دوم - انحلال ارادی یا فسخ قرارداد - آثار (ش ۳۳۷ تا ۳۴۹)
۳۱۸	مبحث سوم - انحلال قهری یا الفساخ (ش ۳۵۰ تا ۳۵۹)

دفتر دوم ایقاع

۳۳۷	فصل اول: قواعد عمومی
۳۳۸	مبحث اول - تعریف و ماهیت ايقاع (ش ۳۴۶ تا ۳۴۹)
۳۴۲	مبحث دوم - قلمرو ايقاع: حکومت اراده (ش ۳۵۰ تا ۳۵۹)
۳۵۰	مبحث سوم - شرایط صحت ايقاع (ش ۳۶۰ تا ۳۶۹)
۳۵۶	مبحث چهارم - آثار ايقاع (ش ۳۷۰ تا ۳۷۲)

۳۵۹	فصل دوم: ايقاع معین - ابراء
۳۶۰	مبحث اول - مفهوم و ماهیت ابراء (ش ۳۷۵ تا ۳۷۸)
۳۶۵	مبحث دوم - شرایط وقوع و اثبات ابراء (ش ۳۷۹ تا ۳۸۷)
۳۷۲	مبحث سوم - آثار ابراء (ش ۳۸۸ تا ۳۹۰)



به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر
به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

سر آغاز

اگر هدف از تألیف کتاب سمرقی بشر، هنگ دادگری و نظم باشد، بی گمان تعلیم دانشجوین از لوازم حرکت به سوی این هدف است. راهنمایی، تهیه قضای و کارگشایی از وکلا و مشاوران حقوقی، کاری درخور ستایش است، ولی اگر راه با سرمایه گذاری در دل جوانانی نباشد که به تازگی سالک راه شده‌اند، به کاروانی بی‌پشتوانه و جوار می‌ماند. باید گام نخستین نوپایان را استوار کرد و به کاروانیانی که توشه‌ای جز عشق ندارند، برای داد، باشد که قافله‌سالاری بزرگ شوند و به هدایت دیگران پردازند.

کتاب درس نخستین سنگ بنای دیواری است که، اگر معراج هدایت، تا آریا به کوی می‌رود و اصلاح آن سخت دشوار و گاه ناممکن است، پس نباید آن را ساده‌لوحانه امروز نوشتن کتاب در هر زمینه خواهد و یژه خود را دارد؛ هنری است که باید اساس آن را آراست و به راه با رنگی از ذوق و ابتکارهای شخصی ارائه داد. در این مقدمه، ویژگی‌های چنین کتابی را نمی‌توان با دقت برشمرد، ولی چند وصف ضروری را باید یادآوری کرد:

۱. روانی عبارت و روشنی مفهوم شرط نخستین این گونه کتاب‌ها است. ذهن روشن جوان تاب تحمل تردیدهای فکری و بازی با الفاظ و توقف و سرگردانی را ندارد. برای هر مشکل پاسخی قانع‌کننده و قاطع می‌خواهد و مایل است آن را در زندگی اجتماعی خود کارا و نافذ ببیند. رنج بزرگی است که انسان اطلاعاتی را که به سالیانی از عمر فراگرفته کهنه و بی‌حاصل بیابد. فایده اندک نمره گرفتن و داشتن درجه تحصیلی ممکن است دانشجو را تا مدتی بخشنود

سازد، ولی به زودی دزدگی و نومیدی این لذت نخستین را نیز از یاد می برد و آنچه به جای می ماند حسرت از دست دادن فرصت های دیگر زندگی و بی اعتقادی به تحصیل در دانشگاه و رشته انتخابی اوست.

۲. اگر کتاب درس نتواند حسن کنجکاوی دانشجو را برانگیزد و او را به ساده اندیشی وادارد، اثباتی است خطرناک که به زودی فراموش هم می شود. کتاب به ظاهر ساده درس باید دورنمایی از دریای برکران دشواری های علم را به دست دهد و شاگردان را بدین خیال خام نیندازد که آنچه هست در آن رواق آمده و از مطالعه بیشتر یا تأمل در درستی راه حل ها بی نیازشان کرده است.

۳. نظم و منظمی مطالب طرح شده یکی دیگر از شرایط کتابی آموزنده و مفید است؛ باید به دانشجو کمک کرد تا تاریخ پراکنده را در ذهن دسته بندی کند و از آن قاعده بسازد، زیرا تنها در این صورت است که او بتواند برای احکام جزئی را در موارد مشابه پیدا می کند. همچنین، باید به او آموخت که چگونه باید با قواعدی را یافت. بیشتر دانشجویان، حتی در دوره های عالی از ارائه تحقیقی منظم عاجزند؛ جنگی از داده های علم را گرد هم می آورند، ولی نمی توانند آن ها را ترکیب کنند و به نظم نسبی درآیند. همین تألیف منطقی را چنان دشوار و دور از دسترس می بینند که از نوشتن رساله می گذرنند و تحسین را نیمه تمام رها می سازند. آمار دانشجویان دوره دکتری که دروس نظری خود را با توفیق بسیار به پایان رسانده اند نشان می دهد که جز اندکی به نوشتن رساله پایانی کار خود نپرداخته اند؛ یعنی، تا آنجا که باید بیاموزند و حفظ کنند و گردآورند به پیش رفته اند و از آنجا که پای تألیف و ترکیب و سیر دانشنامه ها و کشف مجهول ها آغاز شده است و اما نمانده اند. هیچ از خود پرسیده اید چرا؟

این نقص طبیعی و فطری نیست؛ دلایل گوناگونی دارد که منجمد بین آن ها کمی تجربه و نداشتن نمونه هایی آموزنده در پیش رو است. بسیاری از استادان دانشجویان خود را وادار به تحقیق نمی کنند؛ می خواهند همه چیز را خود بگویند و جمع نوپا را به دنبال کشند و مقلد سازند؛ مسئله گویانی که می دانند چگونه فراگیرند ولی نیاموخته اند که چگونه بسازند؛ درحالی که، شیوه مطلوب این است که مراحل گوناگون تحلیل و ترکیب داده ها در کلاس مطرح شود و استاد دانشجویان را راهنمایی کند که خود بدین کار دست زنند؛ مسئله را به گونه ای مجرد و کلی رها نسازند، اجزاء ساده آن را بیابند و پس از یافتن راه حل آن اجزاء ساده، خود به ترکیب پردازند و به نتیجه مطلوب رسند.

شما اگر بخواهید راز گردش منظم عقربه های ساعت را از دستگاه آن چنان که هست بفهمید، به دشواری به آن دست می یابید و چه بسا نومید شوید. ولی، هرگاه ساعت را باز و پیاده کنید و به مطالعه ساختار درون آن پردازید، به اندک تأمل به چند قاعده مکانیکی ساده می رسید که فهم

هر کدام آسان است. تنها مشکل حل شدنی و در دسترس راه یابی به چگونگی ارتباط این قواعد است. به بیان دیگر، در این ترکیب است که، هر چند ارکان آن گونه گون تر باشد، قواعد پیچیده تر می شود و حل ناشدنی می نماید.

در حقوق نیز همین حقیقت حکمفرما است. تمام قواعد پیچیده و نامفهومی که در قوانین دیده می شود، در واقع ترکیبی از چند قاعده عرفی و تاریخی ساده است. هنر حقوق دان در این است که ارکان موضوع را تمیز دهد و آن را به عناصر جزئی تر تحلیل کند، سپس اثر ترکیب آن قواعد جزئی و ساده تر را باز نماید؛ برای مثال، در قانون می خوانیم که: «تلف مبیع پیش از قبض باعث انفساخ عقد است» (ماده ۳۸۷ ق.م.ا). این ترکیب باعث شگفتی است. چرا باید تلف کالایی که فروخته شده و اکنون به آفتی از بین رفته است انفساخ عقد بیع شود؟ مگر بیع واقع و تمام نشده و مبیع مالکیت خریدار در نیامده است؟ و مگر نه این است که تلف هر مال باید از کیسه مالک آن بماند، پس چگونه است که در فرض ما فروشنده بدون هیچ اهمال و تقصیری باید زیان این تلف را به دست دهد؟ این چه عدالتی است که امین را ضامن می داند و در حکم غاصبان می آورد؟ پس، داور عدالت است. این است که حکم خلاف قاعده و عدالت است و باید از اجرای آن در موارد مشابه (مانند تلف در جاره پیش از تسلیم) پرهیز کرد.

ولی، تحلیل این قاعده شرعی را الهام می کند: در برابر این سؤال که آیا قصد مشترک خریدار و فروشنده مبادله مبیع و نفس خریدار یا دو تملیک جداگانه و مستقل را؟ بی گمان پاسخ این است که هر دو به مبادله نظر داشته اند. همچنین، اگر پرسیده شود که آیا دو طرف معامله می کنند تا به مالکیت مجرد عوض متقا، برسند یا هدف نهایی و مطلوب این است که بر آن عوض دست یابند و از منافع مورد انتظار بهره ببرند؟ پاسخ این سؤال نیز با اندک تأمل این است که هدف تملیک نظری نیست و تسلیم یا امکان تسلیم به عوض نیز باید متعمم آن به شمار آید. به همین جهت، «تعهد به تسلیم» در کنار تملیک در زمره اکتسابی آمده و «تعذر تسلیم» برای طرف دیگر قرارداد خيار فسخ به وجود می آورد.

اکنون، پرسشی دشوارتر مطرح می شود: آیا در چنین وضعی که امکان دست یافتن به عوض از دست رفته، یعنی یکی از دو کفه مبادله پیش از کمال آن از بین رفته است، آیا عوض دیگر به جای خود بازمی گردد یا معاوضه همچنان انجام شده محسوب است؟ این بار، چون سؤال پیچیده و مرکب است، پاسخ نیز بی تردید نیست. درستی هر پاسخی که داده شود نیاز به آزمونی دوباره دارد: پاسخ منطقی تر این است که، پیروی از قصد مشترک یا محرک اصلی دو طرف ایجاب می کند که زندگی و حرکت دو عوض تا اجرای کامل قرارداد با هم باشد و جدا شدن پاره ای از آن سبب انحلال دیگری شود. منتها، تردید در این می شود که آیا همبستگی دو عوض

در زمان عقد وجود دارد یا تا اجرای کامل آن باقی است. به همین جهت، گفته شد که باید پاسخ را به محک دیگری آزمود و به صحت آن اطمینان یافت.

در این مرحله، چنان که در کتاب نیز آمده (ش ۲۳۲)، بهترین محک استقراء و تجربه است. باید دید آیا قانونگذار اثر تلف یکی از دو عوض را پیش از تسلیم قاعده تلقی کرده است یا استثناء؟ اگر اجرای حکم انفساخ عقد به اندازه‌ای تکرار شده باشد که از آن «قاعده» استنباط شود، دیگر تردید روانیست و باید تحلیل و ترکیب و نتیجه آن را درست بدانیم و خواهیم دید که ما نیز بدین نتیجه رسیده‌ایم (ش ۲۳۹). زیرا، دیدیم که حکم در تلف ثمن و عقد اجاره و قرض و مزاحه نیز اعمال شده است.

همین شیوه را می‌توان برای تعیین زمان انتقال موسی به و مالک آن در فاصله مرگ موسی و قبول موسی له به کرد. بشجویان را در مسیر موضوع و تألیف راه حل های جزئی و آزمودن نتیجه قرار داد تا خود ابداع - ابداع - وقایع تازه شوند.

کتاب درس نیز باید نمره‌های فراوانی از این شیوه را ارائه کند و راهنمای تحقیق باشد. تحلیل موضوع به فصل‌ها و مباحث و اعتبارهای مربوط به هم و نشان دادن شیوه این تقسیم و ارتباط موضوع‌های جزئی و نتیجه تحلیل و به همین است که اگر به درستی ارائه شود، راهنمای تحقیق آینده دانشجو قرار می‌گیرد.

۴. موضوع باید چنان تحلیل شود که طرح و بحث هیچ زحمی پیش از یکی دو صفحه به درازا نکشد و هر فرع عنوان مستقل داشته باشد تا در ذهن نیز - - - - - نیاز بیاید. مغلوله کردن مسائل، نه تنها بر پیچیدگی هر کدام می افزاید، مطلب هر عنوان را طریقی و لال آور می کند و فراگیری آن را دشوار می سازد. بی گمان به خاطر سپردن پنج ریاضی آسانتر از حفظ هیدامای ده یقی است. نباید حافظه دانشجو را بیهوده فرسوده کرد، چرا که فشار بر حافظه از یک سو و فهم موضوع می کاهشد. در انتقال معانی، به ویژه در حقوق، هدف این است که ذهن آنچه را می تواند جذب و حل کند، نه انبان.

۵. ارتباط منطقی عنوان‌های هر مبحث باید چنان منسجم باشد که دانشجو به هنگام خواندن آن‌ها را بسان پیچ و مهره‌های ماشینی در حال حرکت بیابد که به سوی مقصدی معلوم می‌رود. پراکنده‌گویی ذهن را به پراکندگی می‌کشد و نظم در سخن به آن جهت می‌بخشد. خوانندگان نوشته‌های یکدست و منسجم مانند راه رفتن در جاده‌ای هموار و کوتاه، دلیلی است که فرصت تماشا و تأمل را به مسافر می‌دهد، در حالی که گزشتن از سنگلاخی پرپیچ و خم و طولانی کاری است فرسایشی و خسته‌کننده.

وجود اوصافی که به اشاره از آن‌ها گذشتیم در هر کتاب کمال مطلوب است، ولی برای

دانشجویان ضرورتی ویژه دارد؛ محقق با تجربه رنج هر اضطراب را به جان می‌خورد و در جستجوی گمشده به هر ویرانه‌ای سر می‌زند، اما آنکه در آغاز راهی ناشناخته است این شکیبایی را ندارد و سرخورده و دلزده باز می‌گردد یا به پیراهه می‌رود.

والنگهی، کتاب درس نیاز به توضیحات و مثال‌هایی دارد که در رسالهای علمی زاید و بدیهی می‌نماید.

از سوی دیگر، حجم مطالب و پارامی دقت‌ها که در کتابی عمومی طرح می‌شود چندان زیاد و پیچیده است که آموختن و فراگرفتن آن در دوره‌های آغازین تحصیل، اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است. خود باعث دلسردی و نومیدی است. بیشتر استادانی که خواسته‌اند از کتابی عمومی برای تدریس استفاده کنند در کار خود توفیقی نداشته‌اند؛ یا ناچار شده‌اند که بخشی مهم از مطالب را به بیان تمام به دانشجویان دیکته کنند یا جزوهای آماده را در اختیار آنان گذارند.

...

پس از انتشار کتاب، از سوی حقوق مدنی، به زودی دریافتیم که رسالهای بدین وسعت متناسب با دروس دانشجوهاست، نیست و با وجود اقبال که دانشجویان به آن داشته‌اند فرصت کافی برای خواندن و دنبال کردن مطالب آن را ندارند و گاه به دشواری می‌افتند. می‌دیدم که در رسیدن به هدف مطلوب پایی سنگین بود. باید آن را به گونه‌ای جبران کنم تا هم محققان مرجعی در اختیار داشته باشند و هم دانشجوان کتابی برای خواندن. به ویژه هریار که اینان از کمبود کتاب‌های درس شکایت می‌کردند، آن نقص را ازاد می‌داد. رنجم از این بود که اگر می‌خواستم خود بدین کار دست زدم از دنبال کردن دو کتاب باز می‌مانم. بارها از بعضی دوستان محقق خواستم که پارهم کنند؛ سالیانی نیز به انتظار ماند. ولی گویا مشکل پسندتر یا گرفتارتر از آن بودند که به چنین همکاری رغبت یابند. ناچار در اندک اختی که پیدا شد خود بدان پرداختم و شکرگزارم که اکنون بخش اعمال حقوقی را نه در نیمه راه و مدخلی بر شش مجلد از دوره حقوق مدنی است تقدیم آموزش عالی می‌کنم و امیدارم آنچه فراهم آمده مقبول افتد و دست کم پارامی از اوصاف کتاب درس را داشته باشد.

تهران - چهاردهم بهمن ماه ۱۳۶۹

ناصر کاتوزیان